



Linguistic Research in the Holy Quran.
Vol. 11, No. 1, 2022
Research Paper

Typology of commentary additions in the translation of "Ali Mishkini" with a critical approach (a case study of Surah Al-Rahman)

Sara Heydari, Ali Mohammad Mirjalili, Mahdi Esmaili Sadr Abadi

Phd student of Quranic and Hadith Sciences, Allameh Tabatabai University,
Tehran, Iran

Department of Qur'anic and Hadith Sciences, University of Meybod,
Yazd, Iran

Department of Qur'anic and Hadith Sciences, Rafsanjan, Krman, Iran

Abstract

Commentary additions are among the necessary supplies of every translator; because in some cases the literal translation of the Qur'an does not convey the full meaning of the verse and the deep concepts of the divine word are not conveyed to the reader, so the translators are sometimes forced to add additions to the translation text to clarify the meaning and structure of the translated text well. Among the contemporary Persian translations of the Holy Qur'an, in which commentary additions have a special place is the commentary translation of "Ali Mishkini". This research aims to investigate and analyze the types of commentary additions in Mishkini's translation of Surah "Al-Rahman" using the method of critical analysis. Investigations show that although the translator has tried to provide the reader with better communication with the verses of the Word of Revelation by adding commentary, there have been some slips. The types of interpretative additions, with a critical approach, in Mishkini translation, can be found in the fields of referencing the translation of the words of the verse to the following verses, considering the Qur'anic words and propositions exclusive, using the assumptions of experimental sciences in the translation of the verses, stating specific examples of the verses, not paying attention to the rules of the Arabic language, such as the rule of "Taghlib", the use of some esoteric interpretations in the translation of verses, etc.

Keywords: Quran Translation, Ali Mishkini, Commentary Additions, Typology, Critical Analysis.



This is an open access article under the CC- BY 4.0 License ([Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)).



<http://dx.doi.org/10.22108/NRGS.2022.131672.1729>

گونه‌شناسی افزوده‌های تفسیری در ترجمه «علی مشکینی» با رویکرد انتقادی (مورد کاوی سوره الرحمن)

سارا حیدری^۱، علی محمد میرجلیلی^۲، مهدی اسمعیلی صدرآبادی^{۳*}

۱- دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

sara.sh.heydari@gmail.com

۲- استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، یزد، ایران

almirjalili@meybod.ac.ir

۳- استادیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان، کرمان، ایران

esmaeili.sadr@gmail.com

چکیده

افزوده‌های تفسیری از جمله لوازم مورد نیاز هر مترجم است؛ زیرا در برخی موارد، ترجمه واژگانی قرآن، افاده کامل معنای آیه را نمی‌کند و مفاهیم عمیق کلام الهی به خواننده منتقل نمی‌شود؛ بنابراین، مترجمان ناچارند گاهی افزوده‌هایی به متن ترجمه اضافه کنند تا شفاف‌سازی معنایی و ساختاری متن ترجمه شده به خوبی انجام شود. از جمله ترجمه‌های فارسی معاصر قرآن کریم که در آن افزوده‌های تفسیری جایگاه ویژه‌ای دارد، ترجمه تفسیری «علی مشکینی» است. این پژوهش درصدد است با استفاده از روش تحلیل انتقادی، گونه‌های افزوده‌های تفسیری را در ترجمه مشکینی از سوره «الرحمن» بررسی و تحلیل کند. بررسی‌ها نشان دادند هرچند مترجم تلاش کرده است تا با بیان افزوده‌های تفسیری، زمینه ارتباط بهتر خواننده با آیات کلام وحی را فراهم آورد، لغزش‌هایی نیز صورت گرفته است. گونه‌های افزوده‌های تفسیری با رویکرد انتقادی در ترجمه مشکینی، در حوزه ارجاع ترجمه الفاظ آیه به آیات بعدی، انحصاری پنداشتن الفاظ و گزاره‌های قرآنی، استفاده از پیش‌فرض‌های علوم تجربی در ترجمه آیات، بیان مصداقی خاص از آیات، بی‌توجهی به قواعد زبان عربی همانند قاعده تغلیب، استفاده از برخی از تفاسیر باطنی در ترجمه آیات و ... است.

واژه‌های کلیدی

ترجمه قرآن، علی مشکینی، افزوده‌های تفسیری، گونه‌شناسی، تحلیل انتقادی

۱- طرح مسئله

فراتر از ترجمه تحت‌اللفظی ارائه می‌شوند.

آسیب‌شناسی افزوده‌های تفسیری و چگونگی بهره‌گیری صحیح از آن، افق جدیدی در ترجمه قرآن کریم تلقی می‌شود.

از مهم‌ترین راهکارهای تفهیم پیام آیات در قالب ترجمه، افزوده‌های تفسیری است که مترجمان از آن بهره می‌برند. این افزوده‌ها بیشتر در قالب گیومه و

به‌طور کلی، سه نوع ترجمه برای قرآن کریم وجود دارد:

۱. ترجمه «کلمه به کلمه» یا به اصطلاح «تحت‌اللفظی» که هر واژه‌ای از زبان اول را برمی‌دارند و واژه معادل آن را در زبان دوم به جای آن می‌گذارند و این بدترین نوع ترجمه است (معرفت، ۱۴۱۸ق، ج ۱، صص ۱۱۳-۱۱۴).

۲. «ترجمه آزاد» که در آن مترجم سعی می‌کند معنایی را از قالبی به قالب دیگر بریزد تا معنای مقصود کاملاً ادا شود؛ یعنی بی‌کم و کاست مراد متکلم برگردانده شود و در صورت امکان، الفاظ و کلمات متن اصلی و ترجمه مطابق هم و جایگزین هم باشند و در صورتی که امکان نداشته باشد، دست به تقدیم و تأخیر و کم و زیاد کردن برخی عبارات می‌زند و چه بسا یک یا چند کلمه بر عبارت می‌افزاید تا معنا به‌خوبی روشن شود. اینگونه ترجمه را ترجمه معنوی نیز می‌گویند؛ زیرا بیشتر سعی بر انتقال کامل مفاهیم است، نه تطابق لفظی (همان، ص ۱۱۴).

۳. «ترجمه تفسیری»، روشی در ترجمه است که متن مقصد، به جزئیات و افزوده‌های تکمیلی می‌پردازد که متن اصلی به‌صراحت آنها را بیان نکرده است و مترجم به شرح و بسط مطلب به زبان دیگر غیر از زبان اصلی می‌پردازد و نباید از حد ترجمه فراتر برود. اگر چنین باشد، ترجمه خوبی به شمار نمی‌رود (همان، ص ۱۸۵).

در چند دهه اخیر، دیدگاه‌های جدیدی در ترجمه

قرآن به وجود آمده است که از جمله آنها ورود تفسیر به دانش ترجمه است. در ترجمه تفسیری مترجم با در نظر گرفتن مخاطب و با دوری‌جستن از ترجمه تحت‌اللفظی و نامفهوم تلاش می‌کند ترجمه آیات را از تفسیر آن جدا کند. همچنین با کاستن از افزوده‌های های تفسیری از این افزوده‌ها برای تبیین مفهوم آیه بهره می‌برد (زند رحیمی، ۱۳۹۷ش، ص ۱۲۴).

یکی از ترجمه‌های معاصر که در آن افزوده‌های تفسیری در ترجمه آیات تجلی ویژه دارد، ترجمه قرآن کریم به قلم «علی مشکینی» است. ترجمه‌های تفسیری مشکینی بر دو قسم‌اند: ترجمه‌های کوتاه و ترجمه‌های بلند. در ترجمه‌های تفسیری کوتاه، الفاظ قرآنی در قالب کلمه یا گزاره‌ای کوتاه در داخل پرانتز تبیین شده است؛ برای مثال، در ترجمه آیه «حَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ عَلَى سَمْعِهِمْ وَ عَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (بقره / ۷) در ترجمه تفسیری مقصود از «حتم»، مهر شقاوت و مقصود از «غشاوة»، پرده غفلت عنوان شده است:

«خداوند بر دل‌ها و بر گوش‌های آنان مهر (شقاوت) نهاده و بر دیدگان‌شان پرده‌ای (از غفلت) است و عذابی بزرگ خواهند داشت» (مشکینی، ۱۳۸۱ش، ج ۱، ص ۳).

اما در ترجمه‌های تفسیری بلند، جمله‌ای در قالب تفسیر گزاره‌های قرآنی در داخل پرانتز بیان شده است؛ برای مثال، در ترجمه آیه: «وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ» (یس / ۲)، جمله‌ای در تفسیر حکیم‌بودن قرآن بیان شده است:

«سوگند به این قرآن حکیم (مستحکم در برابر آسیب باطل، گویای به حکمت، حاکم و داور میان حق و باطل و دارای معارف عقلی و شرایع آسمانی)»

۱. هرچند برخی اندیشمندان، در این زمینه اختلاف داشته و تقسیماتی دیگر نیز در این زمینه مطرح کرده‌اند، برای مطالعه بیشتر به منابعی نظیر اصول و مبانی ترجمه قرآن نوشته علی نجار، آشنایی با علوم قرآنی رکنی یزدی، پژوهشی در انواع ترجمه نوشته جواهری و ... مراجعه شود.

(مشکینی، ۱۳۸۱ش، ج ۱، ص ۴۴۰).

در ترجمه آیات قرآن کریم و به‌خصوص آیات سوره مبارکه «الرحمن»، مشکینی از هر دو نوع ترجمه تفسیری یعنی ترجمه کوتاه و بلند بهره برده است. حقیقت این است که هرچند افزوده‌های تفسیری مترجمان در انتقال بهتر مفهوم آیه نقش دارد، لغزش مترجم در گزینش این افزوده‌ها خود سبب بروز آسیب در فهم منظور آیات خواهد شد؛ از این رو، بررسی و واکاوی ترجمه‌های تفسیری در راستای سنجش افزوده‌های آنها اهمیت می‌یابد. در این میان با توجه به فراوانی افزوده‌های تفسیری در ترجمه قرآن مشکینی این پرسش مطرح می‌شود که این ترجمه تا چه اندازه در این مسیر موفق عمل کرده است و آسیب‌های موجود در این ترجمه چیست.

پیشینه پژوهش

در بررسی افزوده‌های تفسیری در ترجمه فارسی قرآن کریم، تاکنون آثاری به رشته تحریر در آمده است. نصوحی دهنوی در پایان‌نامه خود، به «بررسی و تحلیل افزوده‌های تفسیری در هفت ترجمه معاصر در جزء سی‌ام قرآن کریم» (۱۳۹۰) پرداخته است. او در این پژوهش به بررسی تعداد افزوده‌ها در ترجمه الهی قمشه‌ای، مشکینی و صفارزاده پرداخته و افزوده‌ها را با دیگران مقایسه کرده است تا درستی افزوده‌های تفسیری و مطابقت آنها با تفسیر را بررسی کند.

عزیزی نیز در پایان‌نامه خود پژوهش مشابهی را در پیوند جزء ۲۵ و ۲۶ قرآن کریم انجام داده است. او در اثر خود با عنوان «بررسی افزوده‌های تفسیری در ترجمه‌های معاصر قرآن کریم جزء ۲۵ و ۲۶» (۱۳۹۰)، ترجمه‌های الهی قمشه‌ای، خرمشاهی، صفارزاده،

فولادوند، گرمارودی، مشکینی و مکارم را بررسی و افزوده‌های مؤثر و کلیدی در ترجمه آنها را تحلیل و واکاوی کرده است.

محمدی نبی‌کندی در پایان‌نامه خود در دانشکده علوم قرآنی تهران به «بررسی افزوده‌های هفت ترجمه معاصر قرآن کریم به زبان فارسی در ترجمه اجزای پانزده و شانزده قرآن کریم» (۱۳۹۳) پرداخته است که از میان ترجمه‌های الهی قمشه‌ای، خرمشاهی، صفارزاده، فولادوند، گرمارودی، مشکینی و مکارم انتخاب شده‌اند. در این زمینه ابتدا آیاتی استخراج شده است که مترجم‌ها در ترجمه آنها از افزوده‌هایی استفاده کرده‌اند. پس از آن، فقط افزوده‌های کلیدی و مؤثر برای فهم بهتر آیات مشخص شده‌اند.

ابرهیمی و همکاران در مقاله خود که در شماره ۱۱ مجله پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عرب، انتشار یافته، به «تحلیل و بررسی افزوده‌های تفسیری در شش ترجمه معاصر قرآن کریم با محوریت سوره اسراء» (۱۳۹۳)، پرداخته‌اند. از میان مترجم‌های قرآن کریم، افزوده‌های تفسیری الهی، خرمشاهی، صفارزاده، فولادوند، مکارم شیرازی و مشکینی در این مقاله بررسی شده است. یافته‌های این پژوهش نشان داده‌اند از میان مترجم‌های اشاره‌شده، بیشترین افزوده را مشکینی و بعد از ایشان، الهی قمشه‌ای و کمترین افزوده را خرمشاهی و فولادوند به کار برده‌اند.

نوآوری پژوهش حاضر نسبت به موارد مذکور آن است که در این پژوهش به‌صورت اختصاصی به نقد و بررسی افزوده‌های تفسیری مشکینی از آیات سوره «الرحمن» پرداخته می‌شود و گونه‌های مختلف این اضافات تفسیری بررسی و تحلیل می‌شوند. همچنین، تحلیل و بررسی افزوده‌های تفسیری در ترجمه

پایه سیاق آیات، کتاب‌های تفسیری و ... صورت گرفته و زمینه دورشدن آن از فضای ترجمه‌ای و تبدیل شدن به فضای تفسیری را فراهم آورده است. شاهد مثالی در این زمینه، ترجمه مشکینی از آیه نخستین این سوره مبارکه است که نام سوره نیز از آن برگرفته شده است: «الرَّحْمَنُ» (الرحمن / ۱) مشکینی آیه را اینگونه ترجمه کرده است:

«خداوند رحمان (رحمت‌افزایی که نعمت‌های فراوان مادی و معنوی در دنیا مؤمن و کافر را فرا گرفته و در آخرت مؤمنان را فرا می‌گیرد و از جمله آنها نعمت‌های زیر است)» (مشکینی، ۱۳۸۱ش، ج ۱، ص ۵۳۱).

نخست باید گفت هرچند تبیین صفت «الرحمن» به‌خوبی در این ترجمه صورت گرفته است، این تبیین و تفسیر رسالتی است که بر عهده مفسر قرآن کریم است و نه مترجم آن. شایان ذکر است مفسران از عهده این رسالت برآمده و «الرحمن» را ناظر به رحمت عام الهی دانسته‌اند که شمول آن بر تمامی موجودات است (طوسی، بی‌تا، ج ۹، ص ۴۶۲؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۸، ص ۲۴۵؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ج ۵، ص ۲۲۳؛ ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰، ص ۵۴؛ طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۹، ص ۱۵۶ و ...).

دوم، می‌توان ادعا کرد در ترجمه صحیح می‌باید به الفاظ خود آیه دقت و توجه کرد و هرچند سیاق در ترجمه تأثیر زیادی دارد، تکیه اصلی مترجم باید گزاره‌های خود آیه باشد. تفسیر «الرحمن» به نعمت‌دهنده از سوی مشکینی و بیان عبارت: «از جمله آنها نعمت‌های زیر است»، نشان‌دهنده تکیه کردن او به آیات بعد از آیه اول سوره «الرحمن» در ترجمه آیه نخست این سوره است؛ زیرا در آیات بعدی این

مشکینی به میزان زیادی ما را به سبک و روش ترجمه‌ای او رهنمون می‌کند. این روش و سبک ترجمه‌ای می‌تواند حتی در سوره‌ای خاص خود را نشان دهد و یک سوره نمایانگر هدف کلی او در ترجمه باشد؛ بنابراین، بررسی افزوده‌های تفسیری در این ترجمه در سوره‌ای خاص اهمیت ویژه‌ای دارد.

۱. گونه‌های افزوده‌های تفسیری سوره «الرحمن» در ترجمه «مشکینی»

افزوده‌های تفسیری که مشکینی در ترجمه آیات قرآن کریم به کار برده، بیشتر از بسیاری از مترجمان کلام وحی است. در این میان، این اضافات تفسیری را می‌توان به گونه‌ها و سبک‌های متنوعی تقسیم‌بندی کرد و سپس به نقد و بررسی آنها پرداخت. برخی از این گونه‌ها عبارت‌اند از:

۱-۱. بسط واژگان

ترجمه قرآن کریم، وسیله‌ای در راستای برقراری ارتباط با قرآن کریم برای افرادی است که با زبان عربی آشنایی ندارند. در این راستا، تک‌تک الفاظ و گزاره‌های قرآنی می‌باید با رعایت دقیق موازین ترجمه در اختیار خواننده قرار گیرد. قضاوت شخصی یا حتی تفسیری از معنا و مقصود آیه، اگر به میزان اندک باشد و به فهم معنا و مفهوم واژه یا گزاره کمک کند، تا حدی معقول و منطقی است؛ اما اگر از حالت متعادل خود خارج شود، ترجمه منتهی به تفسیر و چه‌بسا تفسیر به رأی می‌شود. توضیحات بیش از اندازه درباره برخی آیات سوره «الرحمن» در ترجمه مشکینی، موجب شد تا این ترجمه شباهت زیادی به تفسیر پیدا کند و تفسیری که یا اجتهاد شخصی مترجم از آیات بر

منحصر به سخن گفتن می‌شود؛ در صورتی که معنای «البیان» در آیه عام است و مفسران مصادیق دیگری از جمله تعلیم اسماء به آدم (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۹، ص ۱۹۷)، قرآن (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲۷، ص ۹۹)، راه هدایت و ضلالت (همان) و ... برای «البیان» برشمرده‌اند.

۳-۱. بی‌توجهی به سیاق در ترجمه

سیاق، عبارت است از سیر کلی یک جمله یا مجموعه‌ای از جملات که از رهگذر آنها مفهوم خاصی به ذهن می‌رسد. جریان کلی یک جمله به الفاظی که در آن به کار رفته است، جهت معنایی خاصی می‌بخشد و جریان کلی مجموعه یک متن به هر یک از جمله‌هایی که در آن متن آمده است، جهت مفهومی ویژه می‌دهد؛ بنابراین، نه می‌توان یک لفظ را جدا از جمله‌اش معنا کرد و نه یک جمله را جدا از مجموعه‌ای که در آن قرار دارد. معنایی که برای یک لفظ در نظر گرفته می‌شود، باید با بقیه اجزای جمله تناسب داشته باشد (شاکر، ۱۳۷۶ش، صص ۳۰۰-۳۰۱).

اصل قرینه‌بودن سیاق در فهم هر سخنی، از جمله آیات قرآن، از اصول عقلایی محاوره است (رجبی و دیگران، ۱۳۷۹، ص ۱۲۳). بر این اساس، مفسران قرآن نیز از دیرباز به تأثیر سیاق در تعیین معنای واژه‌ها و فهم مفاد آیات توجه داشته‌اند و همواره توجه به سیاق را یکی از قواعد اساسی تفسیر دانسته‌اند و ذیل عنوان کلی قرائن پیوسته، به عنوان قرینه پیوسته لفظی، بدان پرداخته‌اند (همان، ص ۱۱۸). با توجه به اینکه فهم صحیح قرآن، مقدمه ترجمه صحیح آن است، از این نظر، سیاق به‌طور غیرمستقیم در ترجمه قرآن تأثیر

سوره، نعمت‌های دنیوی و اخروی، مطرح و به صورت مصداقی نام برده شده‌اند.

۲-۱. تفسیر انحصاری از آیات

در ترجمه برخی آیات از سوره مبارکه «الرحمن»، مصادیق و تفاسیری در داخل پرانتز بیان شده‌اند که صرفاً نشان‌دهنده دیدگاه مترجم است و به عنوان تفسیر قطعی و بیان مراد الهی مطرح نیست. این موضوع موجب می‌شود تا خواننده، مصداق آیه را منحصر به همان اموری بداند که مترجم بیان کرده است؛ در صورتی که برای آیه مصادیق و تفاسیر دیگری نیز مطرح است؛ برای مثال، در مصداق «البیان» در آیه شریفه چهارم سوره: «عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» (الرحمن / ۴) در ترجمه مشکینی آمده است:

«او را راه بیان (قدرت انتقال مکنونات دل به وسیله تولید الفاظ در زبان را که اعجاب نعمت‌ها و مایه امتیاز وی از جانداران و سبب ایصال وحی الهی به جامعه بشری است) آموخت» (مشکینی، ۱۳۸۱ش، ج ۱، ص ۵۳۱).

نخست باید گفت آیه شریفه دو مفعول دارد؛ «ه» در «عَلَّمَهُ» مفعول نخست بوده که مرجع آن انسان است و «البیان» مفعول دوم آیه است (کریاسی، ۱۴۲۲ق، ج ۷، ص ۶۲۴). در ترجمه «مشکینی»، مفعول دوم یعنی «البیان» به صورت مفعول ترجمه نشده و به صورت گزاره قیدی ترجمه شده است. ترجمه صحیح آیه بدین صورت است: «و به او «بیان» را آموخت» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳ش، ج ۱، ص ۵۳۱؛ فولادوند، ۱۴۳۱ق، ج ۱، ص ۵۳۱).

دوم اینکه با اضافه تفسیری که در ترجمه «مشکینی» وجود دارد، مصداق «بیان» در آیه شریفه،

می‌گذارد. برای درک بار معنایی الفاظ قرآن هرگز وجود کتاب‌های لغت معتبر کفایت نمی‌کند و باید به نحوه کاربرد آن لغت در سیاق آیات و فضای آیات توجه کرد؛ زیرا آیات و کلمات همجوار کمک بسیاری در درک صحیح روند آیات و فضای مفاهیم می‌کند.

با توجه به اینکه سیاق نقش چشمگیری در فهم قرآن کریم ایفا می‌کند، مترجمان قرآن کریم، می‌باید به سیاق به‌عنوان عاملی مهم در ترجمه آیات توجه کنند. یکی از این موارد، توجه به آیات قبل و بعدی در راستای فهم بهتر آیات است. بسیار اتفاق می‌افتد که ترجمه واژگان، گزاره‌ها و تمام یک آیه، وابسته به توجه به فضای موضوعی آیات قبل و بعد آن است که اگر به این موضوع توجه نشود، چه‌بسا در ترجمه صحیح مشکلاتی ایجاد شود. غفلت از سیاق برخی آیات در ترجمه سوره مبارکه الرحمن در ترجمه مشکینی خطاهایی را رقم زده است؛ به‌ویژه اینکه افزوده‌های تفسیری ایشان در این آیات نیز با فضای آیات قبل و بعد سازگار نیست؛ برای مثال، ایشان در ترجمه آیه هفتم سوره «الرحمن»: «وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ» می‌نویسد:

«و آسمان را برافراشت و قانون و میزان را (که) وسیله سنجش متناسب هر چیزی از عقاید و اخلاق و عمل و امور خارجی است) بنهاد (از طریق انبیا و الهام به عقول بشر تعلیم کرد)».

در ترجمه واژه «المیزان»، مشکینی اضافاتی تفسیری در داخل پرانتز بیان کرده و مصداق آن را وسیله سنجش نیک از بد و ابزاری برای تشخیص معرفی کرده و به عبارتی دیگر، از دیدگاه او، مصداق «المیزان»، حجت آشکار یعنی انبیا و حجت نهان یعنی عقل است؛ اما باید گفت فضای آیه و آیات ماقبل آن

که درباره نظم بی‌بدیل در خلقت آسمان و نعمت‌های آن است، خلاف ترجمه تفسیری مشکینی گواهی می‌دهد؛ زیرا در گزاره نخست همین آیه یعنی آیه هفتم، از رفعت آسمان سخن به میان آمده است. در آیات پیشین این سوره نیز از دقیق بودن حساب و میزان «خورشید و ماه»: «الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ» (الرحمن / ۵) و مطیع بودن ستاره و شبکه هماهنگ ستارگان سخن به میان آمده است: «وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ» (الرحمن / ۶).

برخی مفسران به مفهوم مطیع بودن درباره «میزان» تأکید کرده‌اند؛ برای مثال، درباره تفسیر گزاره دوم آیه هفتم سوره «الرحمن» در تفسیر «الکاشف» آمده است: «مقصود از این آیه آن است که این جهان شگفت‌انگیز سامان یافته و استوار است. چه، خداوند ستارگان را تا موقعیت طبیعی آنها بالا برده است، به قسمی که اگر ستاره‌ای از جایگاهی که خداوند آن را برای این ستاره مقدر کرده منحرف شود، نظم جهان بر هم می‌خورد و هیچ چیزی در جای خود نمی‌ماند» (مغنیه، ۱۳۷۸ش، ج ۷، ص ۳۴۲).

۱-۴. استفاده از داده‌های علوم تجربی در ترجمه

در ترجمه صحیح آیات مرتبط با علوم تجربی شامل نجوم، زیست‌شناسی، زمین‌شناسی و ... نخست باید توجه داشت که معنی یا مصداق، نباید در تعارض با یافته‌های مسلم علمی باشد و افزون بر این، باید به سیاق آیات توجه کرد تا در میان وجوه مختلف، وجه صحیح‌تر انتخاب شود؛ علاوه بر آنکه توضیحات تفسیری باید به حداقل ممکن برسد تا ترجمه به تفسیر تبدیل نشود (فائز و گوهری، ۱۳۹۷، ص ۱۵۱). در ترجمه مشکینی از برخی آیات سوره «الرحمن»،

آفریده، همانند کوزه‌گری که کوزه‌های خود را از گل ساخته باشد)».

درباره خلقت انسان در این آیه، از نظر مشکینی دو دیدگاه وجود دارد:

الف) مقصود خلقت آدم و حوا یعنی خلقت نخستین انسان منظور است. همچنان که در آیات دیگری از جمله آیه ۲۸ سوره «الحجر»: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ» (۲۸) به این نوع خلقت اشاره و تأکید شده است.

ب) مقصود خلقت نوع انسان با استناد به قانون تکامل انواع است؛ زیرا تمامی موجودات، از تک‌سلولی‌ها به وجود آمده و سپس تکامل یافته‌اند.

باید گفت در ترجمه مشکینی از آیه یادشده، دیدگاه‌های علوم زیستی نیز به ترجمه قرآن کریم راه یافته است. خاطر نشان می‌شود فرضیات دوگانه مشکینی در کیفیت خلقت انسان از «صلصال»، در تفاسیر نیز مطرح شده است (برای نمونه: طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۹، ص ۱۶۵). برخی از مفسران نیز خلقت تکامل‌گونه انسان را رد کرده و تنها دیدگاه نخست را نزدیک به واقعیت دانسته‌اند (مغنیه، ۱۳۷۸ش، ج ۷، ص ۳۴۵). در هر صورت، تبیین موضوع نحوه خلقت انسان، رسالتی بر عهده مفسر است، نه مترجم.

در آیه هفدهم این سوره نیز که در آن سخن از دو مشرق و دو مغرب به میان آمده، مترجم در داخل پراتز دیدگاه تفسیری خود را درباره آیه مطرح کرده است: «رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ» (الرحمن / ۱۷). مشکینی آیه را اینگونه ترجمه کرده است: «پروردگار دو مشرق (مشرق بهار و تابستان در

اضافات تفسیری مرتبط با علوم روز از جمله نجوم بیان شده که گاهی برداشت‌های اجتهادی و شخصی مترجم از آیات و در برخی موارد نیز تطبیق آیات با علوم تجربی است. شاهد مثالی در این زمینه، آیه پنجم سوره «الرحمن»: «الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ» (الرحمن / ۵) است. مشکینی آیه را اینگونه ترجمه کرده است:

«خورشید و ماه با حسابی معین در جریان‌اند (خورشید به حرکت مستقیم غیر متغیر و ماه به حرکت به دور زمین و با واسطه به دور خورشید)».

او این اضافه تفسیری را با توجه به ترجمه آیه به جریان‌داشتن خورشید و ماه با حسابی معین بیان کرده است؛ در حالی که در آیه هیچ مطلبی دال بر جریان و حرکت خورشید و ماه یافت نمی‌شود؛ بلکه تنها به نظم دقیق آنها اشاره رفته است. هرچند یکی از مصادیق «حسبان» حرکت دقیق و حساب‌شده است، می‌توان مصادیق دیگری را نیز برای این نظم برشمرد که از جمله آنها فاصله دقیق آنها از زمین است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۲۳، ص ۱۰۳). مصداق دیگری از آیه، حساب بروج و سیر خورشید و ماه در بروج خود است (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۲، ص ۴۰).

شاهد مثالی دیگر در این زمینه، در حوزه علوم زیستی و نحوه خلقت انسان است. خداوند در سوره «الرحمن» درباره کیفیت خلقت انسان می‌فرماید: «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ» (الرحمن / ۱۴). مشکینی آیه را اینگونه ترجمه کرده است:

«انسان (نخستین، آدم و حوا) را از گل خشکیده‌ای مانند سفال (فراگرفته از لای متعفن) آفرید (یا نوع انسان را مانند سایر هم‌نوعانش از جانداران، که با تبادل انواع منتهی به تک سلولی می‌شوند، از لجن

رفت و برگشت خورشید از خط استوا تا میل اعظم شمالی و مشرق پاییز و زمستان در رفت و برگشت آن از خط استوا تا میل اعظم جنوبی) و پروردگار دو مغرب (مقابل آن دو، یا دو مشرق خورشید در روز و ماه در شب و دو مغرب مقابل آن) است.

هرچند دیدگاه‌های تفسیری مشکینی در خلال ترجمه آیه شریفه، از سوی بسیاری از مفسران نیز ذیل آیه شریفه و در مصداق «مشرقین» و «مغربین» در آیه «رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَ رَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ» (الرحمن/۱۷) بیان شده است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۷، ص ۷۴؛ سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۳۸۰؛ طبرسکی، ۱۳۷۲ش، ج ۲۴، ص ۷۶؛ سید قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۶، ص ۳۴۵۲)، باید گفت تفاسیر مطرح شده صرفاً بیان مصداقی از دو مشرق و دو مغرب است و دیدگاه‌های تفسیری و فرضیات دربارهٔ مصادیق آیات قرآن کریم در ترجمه آیات جایگاهی ندارند.

۱-۵. تعیین مصداق آیات

یکی از گونه‌های مهم تفسیری، تعیین مصداق آیات از سوی مفسران است. در بخشی از تفاسیر، برای مفاهیم عام آیات، یک یا چند مصداق خارجی برشمرده شده است (نصیری، ۱۳۸۵ش، ص ۴۴۸). از رهگذر این مصادیق، مفاهیم و مقاصد نهفته شده در آیات برای مخاطب، روشن و فهم آیات تا حدودی میسر می‌شود و گاه با دقت در این مصادیق، به نوعی تعمیم درباره مفاهیم آیات به دست می‌آید. توضیح اینکه: قرآن کتاب هدایت و همگانی است و به افرادی خاص یا عصر و دوره‌ای معین اختصاص ندارد؛ بنابراین، باید در همه دوره‌ها و سده‌ها نقش هدایتی خویش را ایفا کند و آیات آن بر مصادیق و موارد

مختلف در اوضاع و شرایط گوناگون هر دوره تطبیق‌پذیر باشد؛ زیرا معارف بلند و قوانین آن حقیقت‌هایی هستند که اختصاص به دوران خاص و افراد ویژه‌ای ندارد (ناصر، ۱۳۸۷، ص ۶۹). امام باقر(ع) قرآن را مخصوص گذشتگان ندانست و آن را به خورشید و ماه تشبیه کرد که هر روز و شب طلوع جدیدی دارند «... مِنْهُ مَا قَدْ مَضَىٰ وَ مِنْهُ مَا لَمْ يَجِئْ، يَجْرِي كَمَا تَجْرِي الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ، كُلَّمَا جَاءَ تَأْوِيلُ شَيْءٍ مِنْهُ يَكُونُ عَلَى الْأَمْوَاتِ كَمَا يَكُونُ عَلَى الْأَحْيَاءِ» (عیاشی، ۱۳۸۰ش، ج ۱، ص ۱۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۳، ص ۱۹۷).

مصادیق برخی گزاره‌ها و مفاهیم قرآنی در آیات سوره «الرحمن» در قالب اضافات تفسیری در ترجمه «مشکینی» بیان شده است؛ برای مثال، در تعیین مصداق «مرج البحرین» در آیات ۱۹ و ۲۰ سوره «الرحمن»: «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ • بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ» (الرحمن / ۱۹-۲۰) در ترجمه مشکینی آمده است:

«دو دریا را که با هم برخورد دارند، به هم درآمیخت (نهرهای شیرین به هم پیوسته جاری همانند دریایی، با دریای شور راکد، تلاقی دارند) (۱۹) میان آن دو (در یک محیط وسیعی از موضع تلاقی) حد فاصلی است که بر یکدیگر (از حیث اثر) غلبه نمی‌کنند (یا همه آب‌های شیرین روی زمین از دریای شور آمده و دوباره به آن باز می‌گردند؛ ولی در یکدیگر به قدرت خدا اثر نمی‌گذارند) (۲۰)» (مشکینی، ۱۳۸۱ش، ج ۱، ص ۵۳۲).

با توجه به این اضافات تفسیری می‌توان دریافت مشکینی دو دیدگاه دربارهٔ مصداق «مرج البحرین» مطرح کرده است: ۱. مخلوط‌شدن نهرهای شیرین

البحرین» در نظر گرفته شده که با توجه به قرائن تاریخی و جغرافیایی، مصداق «مرج البحرین»، به منطقه خلیج فارس نزدیک‌تر است (نکونام، ۱۳۹۰، سراسر اثر). دوم آنکه حتی با پذیرش مصداق مطرح‌شده مشکینی از آیه «مرج البحرین»، دیگر استخراج لؤلؤ و مرجان از دو دریا که در ادامه آیات از آن یاد شده است، جایگاهی نمی‌یابد.

شاهد مثال دیگر در تعیین مصداق، بیان مصداق «الانام» در آیه ذیل است: «وَأَلْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ» (الرحمن / ۱۰). مشکینی آیه را اینگونه ترجمه کرده است:

«و این زمین را برای همه خلق (از انس و جن و هر جنبنده‌ای که در آن است) بیافرید.»

واژه «الانام» از واژه‌های تک‌بسامد قرآن کریم است که تنها در این آیه شریفه به کار رفته است. مفسران این واژه را به معنای «مردم» (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۹، ص ۱۶۳)، جن و انس (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲۷، ص ۱۰۳)، تمامی جنبندگان روی زمین (همان)، هر چیز با روح (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۲۴، ص ۶۴) و ... تفسیر کرده‌اند. مکارم شیرازی در تعیین مصداق «الانام» در آیه شریفه می‌نویسد:

«انام» را بعضی به معنی «انسان‌ها» و بعضی به معنی «انس و جن» و گاه آن را به معنی «هر موجود ذی روح» تفسیر کرده‌اند؛ البته جمعی از ارباب لغت و مفسران، آن را به مطلق «خلق» نیز تفسیر کرده‌اند؛ ولی قرائن موجود و خطاب‌های سوره که متوجه انس و جن است، نشان می‌دهد منظور از آن در اینجا همان انس و جن است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۲۳، ص ۱۱۰).

بنابراین، در تفاسیر، مصداقی برای واژه «الانام»

به‌هم‌پیوسته جاری در یک محیط وسیع با دریای شور راکد و ۲. فرایند بخار آب دریا و نزول باران و پدیدآمدن آب‌های شیرین از آن.

مصداقی را که مشکینی برای «مرج البحرین» بر می‌شمرد، می‌توان دیدگاه‌های تفسیری او از آیات دانست و او در این زمینه پای را از ترجمه فراتر نهاده است. برخلاف او، بیشتر مفسران، در ترجمه آیات ۱۹ و ۲۰ «الرحمن» تنها به ترجمه گزاره‌های آیات بسنده کرده و بیان مصداق آیات را بر عهده مفسران گذاشته‌اند؛ برای مثال، در ترجمه فولادوند ذیل آیات آمده است:

«دو دریا را [به گونه‌ای] روان کرد [که] با هم برخورد کنند (۱۹) میان آن دو، حدّ فاصلی است که به هم تجاوز نمی‌کنند» (۲۰) (فولادوند، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۵۳۲).

اما درباره جغرافیای آیات «مرج البحرین»، مصداقی از سوی مفسران بیان شده که متفاوت از دیدگاه مشکینی است. از جمله این مصداق، دریای زمین و دریای آسمان (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۹، ص ۳۰۵؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۷، ص ۷۵)، دریای فارس و روم (حقی بروسوی، بی‌تا، ج ۹، ص ۲۹۶)، جریان گلف استریم (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۲۳، ص ۱۳۳)، مطلق دریای شور و شیرین (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۹، ص ۱۰۱)، اروندرود و خلیج فارس (ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۲۷، ص ۲۳۲) و ... است. هرچند رسالت مشکینی ترجمه آیات قرآن کریم است و بسط بیش از اندازه آیات، بر عهده تفسیر است، در دیدگاه‌های تفسیری او درباره مصداق «مرج البحرین» خطاهایی دیده می‌شود. نخست آنکه طبق دیدگاه‌های تفسیری مطرح‌شده، مصداق دیگری نیز برای «مرج

بیان شده که هر یک به‌نوعی درصدد تفسیر و تبیین این واژه‌اند. مشکینی دو نمونه از این مصادیق را در ترجمه آیه دهم سوره «الرحمن» بیان کرده است؛ حال آنکه رسالت بیان این مصادیق بر عهده مفسران است، نه مترجم.

۱-۶. بی‌توجهی به قواعد تغلیب

تغلیب در دستور زبان عربی عبارت است از ترجیح یکی از دو لفظ همراه بر دیگری؛ مانند «الأبوان» به معنای (الأب و الأم)، «المشرقین» به معنای (المشرق و المغرب)، و «العمیرین» به معنای (ابوبکر و عمر) (مصطفی و دیگران، ۲۰۰۴م، ص ۶۵۸). سبکی نیز تغلیب را ترجیح یکی از دو امر معلوم بر دیگری با تأکید لفظ غالب بر مغلوب تعریف کرده است (سبکی، بی‌تا، ج ۴، ص ۴۷۳). به بیانی ساده‌تر، تغلیب آن است که لفظ یکی از دو شیء همراه، بر دیگری نیز اطلاق شود. بی‌شک، این امر موجب می‌شود آن دیگری نیز حکم اولی را پیدا کند.

آشنایی با قواعد تغلیب در زبان قرآن، نقش ویژه‌ای در فهم صحیح آیات دارد. در آیه ۲۲ سوره مبارکه «الرحمن»، از استخراج مروارید و مرجان، از دو دریای شور و شیرین که در آیات پیشین از آن یاد شده بود، سخن به میان آمده است: «يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَ الْمَرْجَانُ» (الرحمن / ۲۲). مشکینی آیه را اینگونه ترجمه کرده است:

«از آن دو دریا (ی شور و شیرین) مروارید و مرجان بیرون آید» (مشکینی، ۱۳۸۱ش، ج ۱، ص ۵۳۲).

درخصوص اینکه در آیه آمده است که از هر دو دریا مروارید و مرجان استخراج می‌شود، سؤالی مطرح

می‌شود که چگونه گفته شده است که لؤلؤ و مرجان از هر دو دریا خارج می‌شود؛ حال آنکه این دو فقط از دریای شور استخراج می‌شوند، نه از دریای شیرین.

در پاسخ به این پرسش، کلبی آن را از باب تغلیب دانسته است و می‌نویسد: این آیه همانند آیه «يا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ» (الانعام/ ۱۳۰) است و حال آنکه رسولان و پیامبران از بنی‌آدم‌اند و از نسل انسان‌اند، نه از جن و موجودات نامرئی؛ بنابراین، «منکم» به معنای «من أحدکم» است (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۹، ص ۳۰۵). ابوحیان آیه زخرف را به‌عنوان مثالی دیگر برای تغلیب افزوده است: «عَلَى رَجُلٍ مِنَ الْقُرَيْبِيِّنَ عَظِيمٍ» (الزخرف/ ۳۱) که به معنی «من إحدى القریتین» است (ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰، ص ۶۰).

با توجه به توضیحات یادشده، بر اضافه تفسیری مشکینی در ترجمه آیه ۲۲ سوره «الرحمن» نقدی وارد می‌شود، مبنی بر اینکه او استخراج مروارید و مرجان را به هر دو دریای شور و شیرین نسبت داده است؛ در صورتی که از دریای شیرین، مروارید و مرجان استخراج نمی‌شود؛ بنابراین، او به قواعد تغلیب در زبان قرآن توجه نکرده و ترجمه تفسیری نادرستی از آیه به دست داده است.

۱-۷. پیش‌داوری درباره موقعیت زمانی آیه

برخی حوادث و وقایع در قرآن کریم، مربوط به زمانی خاص‌اند که از الفاظ و گزاره‌های آیه و همچنین، فضای آیات می‌توان زمانی را که آیه به آن اشاره دارد، دریافت؛ برای مثال، با توجه به فضای زمانی پاداش و مجازات پس از مرگ، دریافت می‌شود که این موضوع در روز قیامت اتفاق می‌افتد. در سوره

از جمله گونه‌های اضافات تفسیری که در ترجمه مشکینی از آیات سوره «الرحمن» بافت می‌شود، استفاده از بطن یا تأویل آیات است. شاهد مثالی در این زمینه آیه دوم سوره «الرحمن» است: «عَلَّمَ الْقُرْآنَ» (الرحمن / ۲).

مشکینی آیه را اینگونه ترجمه کرده است: «قرآن را (که از علم ازلیش به لوح محفوظ نزول یافته بود، ابتدا به ساکنان خاص ملاً اعلیٰ تعلیم داد و از آنجا به وسیله جبرئیل به قلب پیامبر نازل کرد و از طریق زبان او به جامعه بشری) یاد داد» (مشکینی، ۱۳۸۱ش، ج ۱، ص ۵۳۱).

اضافه تفسیری که مشکینی در داخل پرانتز در تفسیر «القرآن» بیان کرده، در واقع نحوه نزول قرآن برای جامعه بشری است و تفسیر تأویلی از آیه شریفه است. در صورتی که ظاهر آیه شریفه، تنها از تعلیم قرآن به بشر سخن به میان آورده است و هیچ‌گونه سخنی از نحوه نزول قرآن مطرح نیست. مفسران فریقین نیز ذیل این آیه، به نعمت نزول قرآن اشاره کرده‌اند و توضیحاتی را در ذیل آیه، درباره دلیل تقدم یاد از نعمت قرآن بر سایر نعمت‌های مطرح‌شده در این سوره بیان کرده‌اند؛ برای مثال، از دیدگاه علامه طباطبایی، به این دلیل که قرآن، از نظر رتبه و درجه بالاتر از سایر نعمت‌های الهی است و در آن راه‌های منتهی به سعادت ترسیم شده‌اند، پیش از سایر نعمت‌های الهی آمده است (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۹، ص ۱۵۶) و نیز از دیدگاه مفسرانی دیگر، با توجه به اینکه قرآن جامع فضایل اخلاقی و انسانی است، در این سوره قبل از همه نعمت‌ها آمده است (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۶، ص ۷۹؛ جعفری، ۱۳۷۵ش، ج ۵، ص ۲۳۷).

مبارکه «الرحمن» از روزی خاص سخن به میان آمده است: «فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْئَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ» (الرحمن / ۳۹).

مشکینی آیه را اینگونه ترجمه کرده است: «پس در آن روز (که از قبر بیرون آمده و هنوز به موقف نرسیده‌اند)، هیچ انس و جنی از گناهش پرسش نمی‌شود».

انحصار زمانی که مشکینی برای آیه در نظر گرفته است، از ظاهر آیه و سیاق آیات قبلی و بعدی برداشت نمی‌شود. از دیدگاه مفسران نیز مقصود از «یومئذ» در آیه شریفه، روز قیامت است و هیچ‌گونه قیدی در این زمینه مطرح نشده است (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۹، ص ۱۷۹؛ جرجانی، ۱۳۷۸ش، ج ۹، ص ۳۲۹؛ دینوری، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۳۶۶)؛ بنابراین، آوردن قید زمانی در تفسیر آیه، موجب انحصار آیه به زمانی خاص می‌شود؛ در صورتی که الفاظ آیه، عام و بدون انحصار است.

۸-۱. بیان بطن و تأویل آیه

یکی از گرایش‌های تفسیری، تفسیر باطنی قرآن کریم است که گاه از آن به تفسیر اشاری، رمزی و شهودی نیز یاد می‌شود (نصیری، ۱۳۸۶، ص ۴۹۱). عبدالعظیم زرقانی در تعریف تفسیر اشاری، آن را تأویل ظاهر قرآن می‌داند که برای اهل تصوف آشکار می‌شود و تنافی با ظاهر آیات قرآن نیز ندارد (زرقانی، ۱۹۸۸م، ج ۲، ص ۸۶).

آیت‌الله معرفت در این باره تفسیر باطنی را مبتنی بر رمز و اشاره دانسته که نشئت‌گرفته از باطن کلام است و صراحت لفظ محسوب نمی‌شود (معرفت، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۵۲۶).

تجربی، نقش چشمگیری در ترجمه تفسیری مشکینی دارند؛ به گونه‌ای که او در تعیین مصداق برخی گزاره‌های سوره «الرحمن» از داده‌های علوم تجربی روز بهره گرفته است؛ اما باید دانست که ابطال‌پذیری از ویژگی‌های دانش و علوم تجربی است.

۴. بیان مصداق، یکی از گونه‌های مهم افزوده‌های تفسیری در ترجمه مشکینی از آیات سوره «الرحمن» است؛ اما باید توجه داشت که مصداق مطرح‌شده در بیان مصداق «مرج البحرين» در آیات ۱۹ تا ۲۲ این سوره، صرفاً تفسیر مشکینی از آیه است و مفسران، مصداق‌های متعدد دیگری نیز برای این آیه و آیات نظیر آن بیان کرده‌اند؛ اما خواننده ناآشنا با فضای آیات قرآنی، صرفاً با مطالعه این ترجمه، مصداق را منحصر به آنچه می‌داند که مترجم گفته است و درنهایت، کژفهمی از مراد الهی صورت می‌گیرد.

۵. بی‌دقتی در قواعد زبان قرآن مانند قاعده تغلیب، موجب ترجمه تفسیری نادرست مشکینی از آیه ۲۲ سوره «الرحمن» شده است. در این آیه، به استخراج مروارید و مرجان از «بحرین» اشاره شده است که با توجه به آیات دیگر و با استناد به قاعده تغلیب، مقصود استخراج آنها از دریای شور است؛ اما مشکینی در افزوده تفسیری خود این استخراج را مربوط به دریای شور و شیرین می‌داند؛ در صورتی که از دریای شیرین مروارید و مرجان استخراج نمی‌شود.

۶. تفاسیر باطنی در ترجمه جایگاهی ندارند و تفسیر تأویلی از آیات بر عهده مفسر است، نه مترجم؛ اما در افزوده‌های تفسیری مشکینی، در برخی موارد، بطن آیه بیان شده است.

بنابراین، تأویل مشکینی در ترجمه آیه شریفه، از دو نظر دچار اشکال است:

(الف) آیه مربوط به تعلیم قرآن کریم است؛ اما اضافه تفسیری بیان‌شده، به نزول قرآن اشاره و تأکید دارد.

(ب) ظاهر آیه در تبیین تعلیم قرآن واضح است و نیازی به تفاسیر باطنی و تأویلی از آیه نیست.

نتیجه‌گیری

هرچند تلاش مترجم ارجمند، علی مشکینی در راستای ترجمه صحیح آیات سوره «الرحمن» ستودنی است، افزوده‌های تفسیری او در داخل پرانتز و گیومه برای برخی آیات، باوجود کمک زیاد آن به درک و فهم بیشتر آیات قرآن کریم، بر آن نقدهایی نیز وارد است. در این مقاله، این نقدها ضمن گونه‌شناسی افزوده‌های تفسیری او، در ترجمه سوره «الرحمن» مطرح شده و نتایج حاصله از پژوهش بدین شرح‌اند:

۱. در ترجمه صحیح، تکیه‌گاه مترجم در درجه نخست باید الفاظ آیه باشد که این موضوع در ترجمه تفسیری «مشکینی» از آیه نخست سوره «الرحمن» به‌خوبی صورت پذیرفته است؛ زیرا او در ترجمه واژه «الرحمن»، به آیات بعدی استناد داده شده که هنوز خواننده با آنها ارتباط برقرار نکرده است.

۲. انحصاری‌پنداشتن برخی واژه‌ها و ترجمه آنها منحصر به معنایی خاص، نقدی است که بر افزوده‌های تفسیری مشکینی از آیات سوره «الرحمن» وارد است. او واژه «البیان» در آیه سوم سوره را به سخن‌گفتن ترجمه کرده است؛ در حالی که مفسران معانی دیگری نیز برای این واژه ذکر کرده‌اند.

۳. داده‌های و پیش‌فرض‌های مربوط به علوم

کتابنامه

- قرآن کریم. (۱۳۸۱ش). ترجمه علی مشکینی اردبیلی. قم: الهادی.
- قرآن کریم. (۱۴۱۸ق). ترجمه محمدمهدی فولادوند. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- قرآن کریم. (۱۳۷۳). ترجمه ناصر مکارم شیرازی. قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- آلوسی، محمود بن عبدالله. (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر. (بی تا). تفسیر التحرير و التنویر. بیروت: مؤسسه تاریخ العربی.
- ابن عطیه آندلسی، عبدالحق بن غالب. (۱۴۲۲ق). المحرر الوجیز فی تفسیرالکتاب العزیز. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابوحیان، محمد بن یوسف. (۱۴۲۰ق). البحر المحيط فی التفسیر. بیروت: دارالفکر.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. (۱۴۰۸ق). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیرالقرآن. مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی (ع).
- جرجانی، حسین بن حسن. (۱۳۷۸ش). جلاء الأذهان و جلاء الأحزان. تهران: دانشگاه تهران.
- حقی بروسوی، اسماعیل بن مصطفی. (بی تا). تفسیر روح البیان، بیروت: دارالفکر.
- دینوری، عبدالله بن محمد. (۱۴۲۴ق). الواضح فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- رجبی، محمود و دیگران. (۱۳۷۹ش). روش‌شناسی تفسیر قرآن. تهران: سمت.
- زرقانی، عبدالعظیم. (۱۹۸۸م). مناهل العرفان. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- زند رحیمی، مینا. (۱۳۹۷ش). بررسی مقایسه‌ای افزوده‌های تفسیری در پنج ترجمه معاصر فارسی و انگلیسی. فصلنامه زبان‌پژوهی، ۲۹، ۱۴۹-۱۱۷.
- سمرقندی، نصر بن محمد. (۱۴۱۶ق). تفسیر بحرالعلوم. بیروت: دارالفکر.
- سید قطب، سید ابراهیم حسین شاذلی. (۱۴۲۵ق). فی ظلال القرآن. بیروت: دارالشروق.
- شاکر، محمدکاظم. (۱۳۷۶ش). روش‌های تأویل قرآن. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۷۴ش). المیزان فی تفسیرالقرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طبرسی، فضل بن الحسن. (۱۳۷۲ش). مجمع البیان فی تفسیرالقرآن. تهران: فراهانی.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). جامع البیان عن تأویل آی القرآن. بیروت: دارالمعرفه.
- طوسی، محمد بن الحسن. (بی تا). التبیان فی تفسیرالقرآن. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- فائز، قاسم و مریم گوهری. (۱۳۹۷). نقش علوم تجربی در ترجمه قرآن کریم در حوزه آیات آفرینش انسان. مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، ۱۰، ۱۷۹-۱۴۷.
- کرباسی، محمدجعفر. (۱۴۲۲ق). إعراب القرآن. بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مصطفی، ابراهیم، احمد الزیات، حامد عبدالقادر و محمد النجار. (۲۰۰۴م). المعجم الوسیط. مصر: مکتبه الشروق الدولیه.
- معرفت، محمدهادی. (۱۴۱۸ق). التفسیر و

- AH). Ruz al-Janan wa Ruh al-Janan fi Tafsir al-Qur'an. Mashhad: Astan Quds Razavi Research Foundation.
- Jurjani, Hossein bin Hasan. (1999). Polishing the Mind and Polishing the Hearts. Tehran: University of Tehran.
- Haghi Brosavi, Ismail bin Mustafa. (n.d). Tafsir Ruh al-Bayan, Beirut: Dar al-Fakr.
- Dinwari, Abdullah bin Muhammad. (1424 AH). Al-Wadheh fi Tafsir al-Qur'an. Beirut: Dar al-Kutub al-Elmiyeh.
- Rajabi, Mahmoud and others. (2000). Methodology of Qur'an Interpretation. Tehran: Samt.
- Zurkani, Abdulazim. (1988). Manahel al-Irfan. Beirut: Dar al-Kutub al-Elmiya.
- Zand Rahimi, Mina. (2017). Comparative Study of Commentary Additions in Five Contemporary Persian and English Translations. Linguistics Quarterly, 29, 117-149.
- Samarkandi, Nasr bin Muhammad. (1416 AH). Tafsir Bahr al-Uloom. Beirut: Dar al-Fekr.
- Seyed Qutb, Seyed Ebrahim Hossein Shazeli. (1425 AH). In the Shadows of the Qur'an. Beirut: Dar al-Shorouk.
- Shakir, Mohammad Kazem. (1997). Methods of Interpretation of the Qur'an. Qom: Islamic Propaganda Office.
- Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein. (1995). Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an. Qom: Islamic Publishing Office Affiliated with the Seminary Teachers Community.
- Tabarsi, Fazl bin Al-Hasan. (1993). Majma Al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an. Tehran: Farahani.
- Tabari, Muhammad bin Jarir. (1412 AH). Jami al-Bayan an Tawil Ay al-Qur'an. Beirut: Dar al-Marefa.
- المفسرون فی ثوبه القشيب. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- مغنیه، محمدجواد. (۱۳۷۸ش). تفسیر کاشف. ترجمه موسی دانش. قم: بوستان کتاب.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۷۱ش). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الإسلامية.
- ناصر، علی احمد. (۱۳۸۷ش). اعتبار و کاربرد روایات تفسیری. قم: بوستان کتاب.
- نصیری، علی. (۱۳۸۶ش). رابطه متقابل کتاب و سنت. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- نکونام، جعفر. (۱۳۹۰ش). تفسیر تاریخی آیه مرج البحرین. کتاب قیم، ۲، ۵۲-۳۱.

Bibliography

- The Holy Quran. (2002). Translated by Ali Meshkini Ardabili. Qom: Al-Hadi.
- The Holy Quran. (1418 AH). Translated by Mohammad Mehdi Fouladvand. Tehran: History and Islamic Studies Office.
- The Holy Quran. (1994). Translated by Naser Makarem Shirazi. Qom: Islamic History and Studies Office.
- Alousi, Mahmoud bin Abdullah. (1415 AH). Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-Azim. Beirut: Dar al-Kutub al-Elmiyeh.
- Ibn Ashur, Muhammad bin Tahir. (n.d). Tafsir Al-Tahrir wa Al-Tanwir. Beirut: Institute of Al-Tarikh al-Arabi.
- Ibn Atiyah Andulusi, Abdul Haq bin Ghalib. (1422 AH). Al-Muharrar al-Wajiz fi Tafsir al-Kitab al-Aziz. Beirut: Dar al-Kutub al-Elmiyeh.
- Abuhayyan, Muhammad bin Yusuf. (1420 AH). Al-Bahr al-Muhit fi al-Tafseer. Beirut: Dar al-Fekr.
- Abolfatuh Razi, Hossein bin Ali. (1408

- Tusi, Muhammad bin Al-Hasan. (n.d). Al-Tebyan fi Tafsir al-Qur'an. Beirut: Dar Ehiya al-Turath al-Arabi.
- Faez, Qasim and Maryam Gohari. (2017). The Role of Experimental Sciences in the Translation of the Holy Quran in the Field of the Verses of Human Creation. Quran and Hadith Translation Studies, 10, 179-147.
- Karbasi, Mohammad Jaafar. (1422 AH). Erab al-Qur'an. Beirut: Al-Hilal Library.
- Majlisi, Muhammad Baqir bin Muhammad Taghi. (1403 AH). Bihar Anwar Beirut: Dar Ihiya al-Turath al-Arabi.
- Mustafa, Ibrahim, Ahmed Al-Zayat, Hamed Abdul Qadir and Mohammad Al-Najjar. (2004). al-Mujam Al-wasit Egypt: Library of Al-Sharouk al-Duwalia.
- Ma'refat, Muhammad Hadi. (1418 AH). Al-Tafseer wa Al-Mufasserun fi Thawba al-Qashib. Mashhad: Razavi University of Islamic Sciences.
- Mughniyeh, Mohammad Javad. (1999). The Interpretation of the Discoverer. Translated by Musa Danesh. Qom: Bostan Kitab.
- Makarem Shirazi, Naser and colleagues. (1992). Sample Interpretation. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyeh.
- Naseh, Ali Ahmad. (2017). Validity and Application of Interpretative Narratives. Qom: Bostan Kitab.
- Nasiri, Ali. (2016). The Mutual Relationship Between the Book and Tradition. Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Thought.
- Nekonam, Jafar. (2018). The Historical Interpretation of the Verse of Marj al-Bahrain. Kitab Qayim, 2, 52-31.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی